

## معرفی کتاب

# "منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی"

## عز اسمه الاعلیٰ"

مهری افنان

کتاب منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی عز اسمه الاعلیٰ در سال ۱۳۴ بدیع توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری در طهران، تحت اشراف محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران، انتشار یافت. تعداد صفحات آن ۱۵۶ صفحه و به خط نستعلیق نوشته شده است. ترجمه از فارسی به انگلیسی توسط جناب حبیب طاهرزاده و با معاضدت لجنة مخصوصه در ارض اقدس انجام گرفت و انتشار آن، در سال ۱۹۷۶ میلادی، یکی از اهداف مرکز جهانی در اجرای سومین نقشه جهانی تبلیغی بهائی بود.

این مجموعه شامل هفت فصل است:

فصل اول، مستخرجاتی از خطب و توفیعات مبارکه؛

فصل دوم، مستخرجاتی از قیوم الاسماء (تفسیر سوره یوسف)؛

فصل سوم، مستخرجاتی از کتاب بیان فارسی؛

فصل چهارم، مستخرجاتی از دلائل السبعه؛

فصل پنجم، مستخرجاتی از کتاب الاسماء؛  
فصل ششم، مستخرجاتی از توابع مختلفه؛  
فصل هفتم، مستخرجاتی از ادعیه و مناجات.

در این مقال سعی شده است که فصل سوّم، مستخرجاتی از کتاب بیان فارسی، به طور مختصر معرفی گردد.

قبل از شروع به مطلب لازم است گفته شود که کتاب مستطاب بیان فارسی بر مبنای ۱۹ واحد، که هر واحد شامل ۱۹ باب است، پیش‌بینی شده، ولی فقط تا باب دهم از واحد نهم آن از قلم آن حضرت در سال ۱۲۶۳ هجری قمری در ایّام ماکو نازل گشته است.

شروع کتاب بیان، "امّ‌الکتاب دور بابی"، با یک خطبۀ فصیح در تسبیح ذات الهی است.

واحد اوّل شامل توضیحات در بارۀ انتظارات مسلمانان از روز قیامت و ظهور موعود اسلام و رجوع ائمه است.

واحد دوّم در بیان شناسائی حجّت و دلیل و توضیح و تفسیر اصطلاحات دینی، مانند قیامت، موت، بعثت، و جنّت و نار و امثال آن است.

واحد سوّم اکثراً در مورد من‌یظهره‌الله است: "انّ البیان و من فیہ طائف فی حول قول من‌یظهره‌الله".

واحد چهارم در بارۀ مقام "نقطه"، مقام مؤمنین، و مطالب متنوعه دیگر است.

واحد پنجم در بارۀ احکام مختلفه اجتماعی و غیره است.

واحد ششم در مورد احکام است.

واحد هفتم در مورد احکام، و منجمله حکم صلوة است.

واحد هشتم در مورد احکام، و منجمله حکم صوم است.

واحدهای فوق همه شامل ۱۹ باب است و در همه آنها به مناسبت‌های مختلفه ذکر من‌یظهره‌الله آمده است.

واحد نهم، که فقط ده باب از آن نازل شده است، شامل مطالبی راجع به اهمّیت "نقطه" و "من‌یظهره‌الله" است.

بررسی تفصیلی کتاب بیان این نکته مهم را خاطر نشان می‌سازد که اصولاً کتاب بیان کلاً در تجلیل از من‌یظهره‌الله موعود است و بابتی از آن نیست که در آن ذکر من‌یظهره‌الله نشده باشد.

در قسمت "مستخرجاتی از کتاب بیان فارسی" که در فوق به آن اشاره شد و بحث این مقال است قسمت‌هایی از ابواب واحدهای مختلفه استخراج شده که برای آشنائی کلی با این اثر مبارک و به منزله فتح باب است. قسمتی از خطبه کتاب مستطاب بیان در قسمت آخر مستخرجات (صفحه ۷۹) درج شده که در این معرفی مختصر ابتدا با آن آشنا می‌شویم.

این خطبه در وصف ذات الهی است: "تسییح و تقدیس بساط عز سلطانی را لایق که لم یزل و لایزال به وجود کینونیت ذات خود بوده و هست و لم یزل و لایزال به علو ازلیت خود متعالی از ادراک کل شیء بوده و هست. خلق نفرموده آیه عرفان خود را در هیچ شیئی الا بعجز کل شیء از عرفان او و تجلی نفرموده بشیئی الا بنفس او ... نشناخته است او را هیچ شیئی حق شناختن و ممکن نیست که بشناسد او را شیئی بحق شناختن ... و نبوده از برای او اولی الا باولیت خود ..." (واحد اول / باب اول)

این مستخرجات ترتیب خاصی ندارد، بلکه به صورت گلچینی از مطالب و مباحث متنوعه این کتاب مقدس است و بنده سعی کرده‌ام ترتیبی موضوعی برای معرفی آن در نظر بگیرم:

۱- تبلیغ: "اگر نفسی نفسی را هدایت نماید بهتر است از برای او از اینکه مالک شود ما علی الارض کلاً را ..." (واحد دوم / باب شانزدهم، ص ۵۲ مستخرجات (م))

"اگر نفسی نفسی را هدایت کند بهتر است از برای او از اینکه مشرق تا مغرب را مالک شود" (واحد هفتم / باب دوم، ص ۶۶ (م))

۲- عبادت: "و عبادت کن خدا را بشأنی که اگر جزای عبادت ترا در نار برد تغییری در پرستش تو او را بهم نرسد، و اگر در جنت برد همچین ..." (واحد هفتم / باب نوزدهم، ص ۵۲ (م))

۳- یوم قیامت: "یوم قیامت یومی است مثل امروز. شمس طالع می‌گردد و غارب. چه بسا وقتی که قیامت برپا می‌شود، در آن ارضی که قیامت برپا می‌شود خود اهل آن مطلع نمی‌شوند." (واحد هشتم / باب نهم، ص ۵۳ (م))

"ای اهل بیان! مراقب خود بوده که مفری نیست کل را در یوم قیامت و طالع می‌شود بغتة و حکم میکند بر آنچه خواهد. ادنای وجود را اگر خواهد اعلیٰ میکند، و اعلای وجود را ادنیٰ میکند، چنانچه در بیان کرد..." (واحد هفتم / باب نهم، ص ۶۳ (م))

۴- معنی جنّت و نار: "هیچ جنّتی از نفس عمل به اوامرالله اعلیٰ تر نبوده نزد موحدین، و هیچ ناری اشد از تجاوز از حدودالله و تعدی نفسی بر نفسی نبوده، اگرچه بقدر خردلی باشد در نزد عالمین بالله و آیات او..." (واحد پنجم / باب نوزدهم، ص ۵۴ (م))

و نیز در صفحه ۵۶ همین کتاب، قسمتی از واحد هشتم / باب چهاردهم چنین آمده است: "و جنّت را معرفت من‌یظهره‌الله یقین کن و طاعت او و نار را وجود من لم یسجد له و رضای او."

همچنین در همین مورد در صفحه ۶۰ چنین آمده است: "... و هیچ جنّتی از برای خلق من اعلای از حضور بین یدی نفس من و ایمان بآیات من نیست، و هیچ ناری اشد از احتجاب این خلق بمظهر نفس من و ایمان‌نیارندن بآیات من نبوده نیست..." (واحد دوم / باب اول)

۵- طهارت و نظافت: "خداوند دوست میدارد مطهرین را و هیچ شأن در بیان احبّ نزد خداوند نیست از طهارت و لطافت و نظافت." (واحد پنجم / باب چهاردهم، ص ۵۴ (م))

"بدانکه تطهیر در بیان اقرب قربات و افضل طاعات بوده و هست. مثلاً سمع خود را طاهر کن از اینکه ذکر دون‌الله شنوی..." (واحد نهم / باب دهم، ص ۶۸ (م))

۶- ذکر و عبادت بدون شناسائی مظهر ظهور ثمری ندارد: "بدانکه اگر ذکر کنی من‌یظهره‌الله را، آنوقت ذکر کرده‌ای خدا را ... از اول عمر تا آخر عمر یک سجده کن و همه را بذکرالله بگذران، ولی مؤمن مباش بمظهر آن ظهور، بین نفع میبخشد ترا. ولی اگر شناسی او را و عارف شوی بحق او و

بگوید قبول کردم کلّ عمر ترا در ذکر خود هر آینه ذاکر بوده‌ای او را بمنتهای ذکر ... (واحد هشتم / باب نوزدهم، ص ۵۵ (م))

۷- در مورد معرفت حجّت و دلیل و احتجاج به آیات است:

"شبهه‌ای نیست در اینکه خداوند این آیات را نازل فرمود بر او بمثل آنکه بر رسول خدا نازل فرموده، چنانچه حال بمثل این آیات بقدر صد هزار بیت در میان خلق منتشر است بغیر صحف و مناجات او و صور علمیه و حکمیّه او و در عرض پنج ساعت هزار بیت از نزد او ظاهر میگردد یا به اسرع طوری که کاتب نزد او بتواند تحریر نماید آیات الله را قرائت می‌نماید ... و هرگاه میگوئید که این آیات بنفسها حجّت نمی‌شود نظر کنید در قرآن. هرگاه خداوند در مقام اثبات نبوت رسول خدا (ص) بغیر آیات احتجاج فرموده شماها هم تأمل نمائید ... (واحد دوم / باب اول، ص ۵۵ (م))

۸- در مورد قیام در هنگام ذکر اسم قائم است:

"و همچنین در ظهور نقطه بیان که کلّ از برای اسم او قائم میشدند و از برای ظهور شب و روز تصرّح و ابتهاج می‌نمودند ... ولی حال که باعظم حجّتی که دین ایشان باون برپا است ظاهر شده و منتظرین ظهور او لایحصی است کلّ بعد از استماع آیات او در خانه‌های خود مستریح نشسته و او الآن در جبل ماکو است وحده. قدری مراقب خود شده ای اهل بیان که اینطور واقع نگردد که از برای او شب و روز گریه کنید و از برای اسم او قائم گردید و حال که یوم اخذ ثمره است که از قیام به اسم، سیلی بسوی مسمی بهم رسانید این قسم محتجب مانید ... (واحد ششم / باب پانزدهم، ص ۵۷ (م))

۹- عهد ایمان بظهور بعد - استمرار ظهورات:

"و خداوند عالم هیچ نبی را مبعوث نفرموده و هیچ کتابی را نازل نفرموده، مگر از کلّ اخذ عهد از ایمان بظهور بعد گرفته، زیرا که از برای فیض او تعطیل و حدی نبوده ... (واحد ششم / باب شانزدهم، ص ۵۹ (م))

۱۰- کمال هر شیئی جنت اوست:

"هیچ شیئی بجنت خود نمیرسد الا آنکه بمنتهای کمال در حدّ خود ظاهر شود. مثلاً این بلور جنت حجری است که ماده این بوده ... و همچنین کلّ شیء را

تصوّر کن، و کمال علوّ انسان در ایمان بخدا است در هر ظهور و بآنچه از قبیل آن نازل میگردد، نه به علم... (واحد پنجم / باب چهارم، ص ۶۱ (م))

۱۱- هر کس بنفسه باید من یظهره الله را بشناسد:

"یوم قیامت خداوند سؤال میفرماید از هر نفسی بآنچه فهم اوست، نه باتّباع او نفسی را. چه بسا نفسی حین استماع آیات خاضع میگردد و تصدیق حقّ میکند و متّبع او نمیکند. این است که کلّ بنفسه مکلفند، نه بغیره، و در نزد ظهور من یظهره الله اعلم علما با ادنای خلق یکسانند در حکم. چه بسا آن ادنی تصدیق کند و آن اعلم محتجب ماند. این است که در هر ظهور بعضی باتّباع بعضی داخل نار میگردد... (واحد چهارم / باب هجدهم، صص ۶۲ - ۶۳ (م))

۱۲- اصل تداوم ظهورات:

"و اگر کسی یک آیه از آیات او را نویسد بهتر است از اینکه کلّ بیان و کتبی که در بیان انشاء شده نویسد، زیرا که کلّ مرتفع میگردد و آن میماند تا ظهور دیگر. در آن ظهور اگر یک حرف از آن ظهور را کسی نویسد با ایمان باو ثواب آن اعظم تر است از آنکه کلّ آثار حقیقت را از قبیل و آنچه در ظلّ او انشاء شده نویسد و همچنین عروج کن از ظهوری تا ظهور دیگر... (واحد هفتم / باب سیزدهم، ص ۶۳ (م))

و نیز میفرمایند: "مثل امرالله مثل شمس است که اگر مالانهایه طالع شود یک شمس زیاده نیست و کلّ باو قائم هستند... (واحد چهارم / باب دوازدهم، ص ۷۴ (م))

۱۳- علّت احتجاب مردم:

"... از اوّل عمر تا آخر عمر باو امر قبل او در دین خود ساجد بوده خدا را ... ولی در حین ظهور آن که میشود کلّ نظر بخود میکنند و از او محتجب میمانند، زیرا که او را هیکلی مثل خود می بینند و حال آنکه سبحان الله عن الاقتران... (واحد هفتم / باب پانزدهم، ص ۶۴ (م))

۱۴- طلب رحمت و مغفرت از برای والدین:

"سزاوار است که عبد بعد از هر صلوة طلب رحمت و مغفرت نماید از خداوند از برای والدین خود، که ندا میرسد من قبل الله که از برای تو است دو هزار و یک

ضعف از آنچه طلب نمودی از برای والدین خود" (واحد هشتم / باب شانزدهم، ص ۶۵ (م))

۱۵- دفن اموات:

در باب دوازدهم از واحد پنجم که در مورد دفن اموات در احجار مرمر است، حکمت این حکم را چنین نازل فرموده‌اند که:

"چون این جسد ظاهری عرش آن جسد باطنی است، بر آنچه آن حکم می‌گردد این هم محکوم بحکم می‌گردد ... زیرا که جسد ذاتی بر عرش خود ناظر است بر این جسد و اگر عزّ این را مشاهده کند گویا او عزیز گشته ... از این جهت است که امر باعظام و احترام آن بغایت شده ..." (واحد پنجم / باب دوازدهم، ص ۶۶ (م))

۱۶- مَنْ يُظْهِرَ اللَّهَ:

"ولی حین ظهور مَنْ يُظْهِرَ اللَّهَ اگر کلّ اعمالت از برای نقطه کنی که لدون الله میشود زیرا که نقطه بیان آن روز همان مَنْ يُظْهِرَ اللَّهَ است نه دون آن" (واحد هفتم / باب دوم، ص ۶۶ (م))

و نیز می‌فرمایند: "اگر چه کلّ منتظر اویند ولی چون باو ناظر نیستند لابدّ بر او حزن وارد خواهد آمد" (واحد ششم / باب یازدهم، ص ۶۷ (م))

ایضاً می‌فرمایند: "بدانکه تطهیر در بیان اقرب قربات و افضل طاعات بوده و هست، مثلاً سمع خود را طاهر کن از اینکه ذکر دون الله شنوی و عین خود را که نبینی و فؤاد خود را که شاهد نشوی ... وهمچنین کلّ شئون خود را، تا آنکه در صرف جنّت حبّ پرورش کنی، لعلّ درک کنی مَنْ يُظْهِرَ اللَّهَ را با طهارت محبوب نزد آن که طاهر باشی از دون من لم یؤمن به و من لم یکن له ..." (واحد نهم / باب دهم، ص ۶۸ (م))

ایضاً در همان باب می‌فرمایند: "... و هر عینی که نظر کند در کلمات او با ایمان بآن واجب می‌گردد بر آن جنّت ... و هر صدری که کلمات او را حفظ نماید خداوند مملوّ فرماید او را از محبت خود اگر مؤمن باو باشد ..."

و نیز می‌فرمایند: "قسم بذات اقدس الهی جلّ و عزّ که در یوم ظهور مَنْ يُظْهِرَ اللَّهَ اگر کسی یک آیه از او شنود و تلاوت کند بهتر است از آنکه هزار مرتبه بیان را تلاوت کند ... و بدانکه در بیان هیچ حرفی نازل نشده مگر آنکه قصد شده که

اطاعت کنند مَنْ يُظْهِرَهُ اللَّهُ را که او بوده مُتَزَل بیان قبل از ظهور خود ... " (واحد پنجم / باب چهارم، ص ۷۳ (م))

۱۷- باب اول از واحد دَوَم در مورد معرفة الحجّة و الدلیل است:

"در این کور خداوند عالم بنقطه بیان آیات و بیّنات خود را عطا فرموده و او را حجت ممتعه بر کلّ شیء قرار داده و اگر کلّ ما علی الارض جمع شوند نمیتوانند آیه ای بمثل آیاتی که خداوند از لسان او جاری فرموده اتیان نمایند ... " (ص ۷۳ (م))

و در همین باب در ادامه مطلب چنین میفرمایند: "... و کافی است شهادت نفس آیات بعجز ما علی الارض از کلّ شیء زیرا که این حجتی است باقیه من عند الله الی یوم القیامة ... زیرا که از نفسی که بیست و چهار سال از عمر او گذشته و از علمی که کلّ بآنها متعلم میگشته متعری بوده و حال باین نوع که تلاوت آیات مینماید بدون فکر و تأمل و در عرض پنج ساعت هزار بیت در مناجات می نویسد بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیّه در علو مقامات معرفت و توحید ظاهر مینماید که کلّ علما و حکما در آن موارد اعتراف بعجز از ادراک آنها نموده شبهه ای نیست که کلّ ذلك من عند الله هست ... " (ص ۷۷ (م))

۱۸- در باره معنی روز قیامت در باب هفتم از واحد دَوَم میفرمایند:

"ملخص این باب آنکه مراد از یوم قیامت یوم ظهور شجره حقیقت است و مشاهده نمیشود که احدی از شیعه یوم قیامت را فهمیده باشد ... و آنچه ... مقصود از یوم قیامت است اینست که از وقت ظهور شجره حقیقت در هر زمان بهر اسم الی حین غروب آن یوم قیامت است ... و از حین ظهور شجره بیان الی ما یغرب قیامت رسول الله (ص) هست که در قرآن خداوند وعده فرموده که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنه هزار و دویست و شصت، که سنه هزار و دویست و هفتاد بعثت میشود اول یوم قیامت قرآن بود و الی غروب شجره حقیقت قیامت قرآن است ... " (صص ۷۵-۷۶ (م))

و نیز میفرمایند: "حمد خدا را که ما را در یوم قیامت عالم گردانید باو که بثمره وجود خود فائز گردیم و از لقای الهی محتجب نمایم که از برای او خلق شده ایم و عمل نکرده ایم الا از برای همین ... اگر در یوم ظهور آن غیر از آنکه ایمان باو



آوری کلّ خیر کنی نجات نمیدهد تو را از نار و اگر ایمان بحقّ آوری کلّ خیر از برای تو ثبت میگردد در کتاب خدا و بآن تا قیامت دیگر در جنت متلذذ خواهی بود... " (واحد نهم / باب سوّم، ص ۷۸ (م))

و نیز میفرمایند: "و اینکه امر شده ذکر سرّ از برای آن است که مراقب بذکرالله باشی که قلب تو همیشه حیوان باشد که از محبوب خود محتجب نمائی، نه اینکه بلسان ذکر بخوانی و قلب تو متوجّه نباشد بذروهٔ قدس و محل انس لعلّ اگر واقع شوی در یوم قیامت مرآت قلب تو مقابل باشد شمس حقیقت را که اگر مُشرق شود فی الحین تعاکس بهم رساند زیرا که او است مبدأ هر خیر و باو راجع میشود کلّ امر... " (واحد نهم / باب چهارم، ص ۶۵ (م))

و بالاخره آخرین قسمت از مستخرجات کتاب بیان باین مطلب اشاره دارد که مراد از ذات الهی و ظهور الهی، شجرهٔ حقیقت (مشیت اولیه) است:

"... آنچه از ظهورالله ذکر میشود مراد شجرهٔ حقیقت است که دلالت نمیکند الا بر او و اون شجره است که مرسل کلّ رسل و منزل کلّ کتب بوده و هست ... که در هر زمان بآنچه خواسته ظاهر فرموده چنانچه حین نزول قرآن بظهور محمد (ص) و حین نزول بیان بنقطهٔ بیان اظهار قدرت خود فرموده و در نزد ظهور من یتظهرالله باو اثبات دین خود خواهد فرمود ... و او است که در شیئی نیست و در فوق شیئی نیست و با شیئی نیست و آنچه ذکر میشود از استواء او بر عرش، استواء ظهور او است بر قدرت ... حتی آنچه گفته میشود لایدرکه من شیء بمرآت ظهور او راجع میشود که من یتظهرالله باشد و او است اجلّ و اعلیٰ از اینکه ذا اشاره ای بتواند اشاره کند بسوی او... " (واحد دوّم / باب هشتم، صص ۸۰-۸۱ (م))